

سرمقاله

افغانستان و بنیان های سست نظام های سیاسی

حفیظ الله زکی

دبروز به مناسبت ۲۶ دلو سالروز خروج سربازان شوروی از افغانستان، تعطیل عمومی اعلان شد و از این روز در ارگ ریاست جمهوری تجلیل به عمل آمد. تجلیل از این روز فرصتی را فراهم می سازد تا یک گفتگام ملی بر محور مسایل مهم کشور، آسیب ها و فرصت هایی که با آنها مواجه می باشیم، شکل بگیرد. تجلیل و گرامیداشت از روزهای مهم ملی در صورتی که با عبرت گیری، پند آموزی، آسیب شناسی و همچنان ارایه راه حل های معقول و منطقی همراه نباشد و دستاورد ارزشمند و عملی را برای مردم افغانستان به همراه نداشته باشد، یک کار بیفایده و عبث خواهد بود. ما با استفاده از فرصت هایی که این روزها برای ما فراهم می آید، اما باید توجه داشت که این اهمیت از دوجنبه می تواند قابل قرار دهیم و بیطرفانه در باره آن به قضاوت بنشینیم. آسیب های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را شناسایی کرده و به با توجه به تجربیات کشورهای موفق دیگر راه عبور از گردنه های بحران را پیشنهاد نماییم.

افغانستان همواره از استبداد داخلی و دخالت ها و تجاوزهای خارجی رنج برده است. استبداد داخلی ظلم، بی عدالتی، تبعیض و محو سیستماتیک هویت های گوناگون در افغانستان را در پی آورده است و دخالت ها و تجاوزهای خارجی، ویرانی، کشتار، عقب ماندگی، جنگ های بیرحمانه و مهاجرت های جمعی را بر مردم افغانستان تحمیل کرده است. هردو موضوع مانند تیغه یک قیچی کشور افغانستان را زخمی و پارچه پارچه کرده است.

اگرچه موقعیت استراتژیک و ژئوپولیتیک افغانستان مهمترین دلیل برای اشغال و مداخلات نامشروع بیگانگان به شمار می آید، اما باید توجه داشت که این اهمیت از دوجنبه می تواند قابل بحث باشد. چنانچه حکومت های افغانستان کارآمد و در اندیشه منافع ملی و آبادی کشور می بودند، می توانستند از این پتانسیل بهترین استفاده را به نفع مردم افغانستان ببرند. حکومت ها می توانستند با اتخاذ سیاستهای معقول و متوازن هم افغانستان را از خطر اشغال نجات دهند و هم راه را برای توسعه و پیشرفت کشور فراهم آورند.

اگر موقعیت جغرافیایی کشور دلیل اشغال افغانستان پنداشته می شود، حکومت های استبدادی و نامشروع زمینیه های اشغال و دخالت های ناروا را در افغانستان فراهم می ساختند. حکمرانان کشور بجای آن که منافع کشور را مدنظر بگیرند، در اندیشه بقای حکومت های نامشروع و غیر قانونی خود در افغانستان بودند. حکومت ها به حمایت های مردمی چون نمی توانستند هنگام فشارها و تهدیدها به حمایت های مردمی تکیه کنند، به ناچار راه حل را در کسب حمایت کشورها و وابستگی مطلق با قدرت های بزرگ بین المللی جستجو می کردند.

تکیه کردن افغانستان به یکی از قدرت های بین المللی و وابستگی مطلق به آنها سبب از بین رفتن بسیاری از فرصت های سیاسی و اقتصادی در افغانستان می شد. این مساله از یک طرف بنیاد استبداد داخلی را تقویت می کرد و آن را برای سالیان متبادی دوام می داد، از سوی دیگر دست اندازی کشورهای خارجی را در افغانستان به صورت روز افزون افزایش می داد.

بنابراین ریشه مشکلات افغانستان نه در موقعیت جغرافیایی که در نبود مشروعیت نظام های سیاسی در افغانستان نهفته است. از اینرو این مشکل زمانی حل می شود که حکومت ها بجای چشمداشت به حمایت کشورهای خارجی، به قدرت مردم شان تکیه کنند.

در یک و نیم دهه گذشته اگرچه تغییرات اساسی در ساختار نظام سیاسی به وجود آمده، اما تفکرات ناسازگار با منافع ملی تا هنوز به وحدت و همبستگی مردم افغانستان لطمه می زند و مانع توسعه و پیشرفت کشور می گردد و راه خود انکابی و نجات از وابستگی را می بندد.

افغانستان باید به آزادی، برابری و عدالت به عنوان اصول اجتناب ناپذیر استقلال و حاکمیت ملی توجه داشته باشد و به آنها ارجح و احترام بگذارد. نادیده انگاری این اصول، بنیادهای توسعه و ترقی کشور را با خطر روبرو ساخته و آن را به سوی عقب ماندگی و وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیشتر سوق می دهد.

هیچ جامعه ای و هیچ انسانی از رهگذر خلقت، فقیر خلق نشده است؛ بنا بر این فقر، زاده ای بستر فرهنگی و سیاسی یک جامعه است که ریشه های آن در تدبیر و راهکار های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک جامعه نهفته است. فقر، همان پدیده زشت در حیات انسانی است که هر جا سایه افکنده، فاجعه می رویند؛ از طرفی دگر، تنها نداشتن پول، «فقر» نیست؛ بلکه جنگ و کشتار، تضاد های مذهبیه و قبیله، بنیاد گرایی و تعصبات قومی، همه ای این ها، شکلی از اشکال عریان فقر اند که هم اکنون قربانی های خود را از بعضی جوامع می گیرد.

هرگاه مظاهر اجتماعی یک جامعه، با شاخصه ی چون «فقر» نمایان گردد، مهاجرت و آواره گی شهروندان آن امری حتمی است؛ از این رهگذر، بهای سنگین آن، بردوش قربانی انسانی است که در حالت گریزان از جنگ فقر و مشقت های ناشی از آن، زجر مهاجرت را، از دیاری به دیاری دگر، حمل می کنند؛ یا، از محیطی به محیطی دیگری بدنبال گم گشته ی خود که همان رسیدن به نان و مسکن، امنیت و رفاه می باشند، سرگردان اند.

زیرا مهاجرت، همان گزیننه یی است که از طریق آن ایجاد تعادل در زندگی انسان در بعضی حالات، امکان پذیر می شود. در بعضی حالات دگر، بهای سنگین پدیده مهاجرت، از جنس مرگ در دریاها و سرگردانی های ناشی از آن است که برای مهاجران رقم زده می شود. بحرانی که هر روز و هر لحظه قربانی انسانی می طلبد و تعدادی را در دل دریاها و کام نهنگ ها فرو می برد، شکلی از اشکال مرگ اخلاق انسانی است که در قالب مهاجرت، پدیدار گشته است و قضاوت کشور های ثروتمند را در برابر مهاجران کشور های جنگ زده و فقیر انعکاس میدهد.

با آنکه جهان معاصر را، جهان انسان محور می گویند؛ اما، پدیده ی فقر، همان قسمی که شکاف های عمیق طبقاتی را در اعصاب مختلف میان انسان ها ایجاد نموده است، جهان مدرن نیز از این امر مستثنی نیست. شاید، ادامه ی حاکمیت روند موجود در جوامع انسانی، آنچنانی که از همین حالا تصور می شود، کتله

فقر و مهاجرت

طالب حسین مصمیم



مانوس استرالیا را در آمریکا، دچار ابهام ساخته است بلکه از ورود مهاجران بعضی کشور های اسلامی نیز ممانعت کرده است. به این مسئله از چشم انداز حقوق بشر که در صورت آشکار، ماده سیزدهم و چهاردهم آن، حقوق مهاجرت را زیر پوشش حمایتی قرار داده است، می پردازیم که در آن واضح شده است که هر کسی حق دارد که آزادانه به هر کشوری رفت و آمد کند و اقامتگاه خود را بر گزیند. و هم چنان، مطابق با ماده چهاردهم حقوق بشر، هر کسی حق دارد که هر کشوری، از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور اصلی اش باز گردد.

هم چنان در حقوق بشر آمده است که: هر کسی حق درخواست پناهندگی و بهره مندی از حقوق پناهنده گی را در کشورهای دگر دارد. اگر سرچشمه این پیگردها، بزهداری های عمومی، غیر سیاسی، یا کنش های ناسازگار با اهداف ملل متحد داشته باشد، نمی تواند از این حق، بهره مند شود.

با آنکه اکثر ماده های حقوق بشر، موضوعات آرمانی است و در زمان های به تصویب رسیده است که بلاک های شرق و غرب در یک کشمکش ایدئولوژیک قرار داشتند و ایدئولوژی های ضد سرمایه داری، عملا دخیل نظام های سیاسی بعضی کشور ها بود. اما، این به این معنی نیست که وقتی کاپیتالیسم اتوریته وسیع بر جهان یافت، پایان انسانیت پدیدار شده باشد.

عصر حاضر از انسانی شدن بیشتر تمدن های بشری حکایتی دارد؛ خشونت با مهاجران بسی خانه مان و گروه های انسانی آواره ناشی از جنگ، بی عدالتی در حق انسانیت است که اکثر کشور های ثروت مند یا شیوه های خشن، با مهاجران برخورد می کنند. این سیاست های سراسرگرایانه که در کشور های ثروت مند نسبت به مهاجران دوامه پیش مقامات کشورها ی ثروت مند، خود را بانی و موسس حقوق بشر میدانند، هم چنان عضو سازمان ملل هستند، باید یابند به قرارداد اجتماعی شان بوده و رعایت تمامی جنبه های حقوق بشر را رسالت خود بدانند.

راه های پر خطر مهاجرت های غیر قانونی هستی اش را به نیستی میدهند. چندین دهه جنگ و ناامنی های ناشی از آن، باعث شد که شهروندان افغانستان، آواره شوند، زیرا، طی چند سال اخیر، اگر گزیننه مهاجرت نمی بود، «فقر» فاجعه ای جبران ناپذیر اقتصادی را در زندگی شهروندان افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت.

در این میان اما، کشور های اروپا و استرالیا، برای میزبانی از مهاجران و پناهجویان، نقش عمده را داشتند که مهاجران افغانستان توانستند از طریق افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت. در این میان اما، کشور های اروپا و استرالیا، برای میزبانی از مهاجران و پناهجویان، نقش عمده را داشتند که مهاجران افغانستان توانستند از طریق افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت. در این میان اما، کشور های اروپا و استرالیا، برای میزبانی از مهاجران و پناهجویان، نقش عمده را داشتند که مهاجران افغانستان توانستند از طریق افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت.

راه های پر خطر مهاجرت های غیر قانونی هستی اش را به نیستی میدهند. چندین دهه جنگ و ناامنی های ناشی از آن، باعث شد که شهروندان افغانستان، آواره شوند، زیرا، طی چند سال اخیر، اگر گزیننه مهاجرت نمی بود، «فقر» فاجعه ای جبران ناپذیر اقتصادی را در زندگی شهروندان افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت. در این میان اما، کشور های اروپا و استرالیا، برای میزبانی از مهاجران و پناهجویان، نقش عمده را داشتند که مهاجران افغانستان توانستند از طریق افغانستان شکل میداد و گراف زندگی «زیر خط فقر» بیشتر از تصور، بالا می رفت.

عصر حاضر از انسانی شدن بیشتر تمدن های بشری حکایتی دارد؛ خشونت با مهاجران بسی خانه مان و گروه های انسانی آواره ناشی از جنگ، بی عدالتی در حق انسانیت است که اکثر کشور های ثروت مند یا شیوه های خشن، با مهاجران برخورد می کنند. این سیاست های سراسرگرایانه که در کشور های ثروت مند نسبت به مهاجران دوامه پیش مقامات کشورها ی ثروت مند، خود را بانی و موسس حقوق بشر میدانند، هم چنان عضو سازمان ملل هستند، باید یابند به قرارداد اجتماعی شان بوده و رعایت تمامی جنبه های حقوق بشر را رسالت خود بدانند.

کودک و خشونت

حامد فرنی زاد / بخش دوم و پایانی



خشونت بار بسیار بیشتر است، چرا که در این بازی ها خود فرس، در مقام اول جنگ، خونریزی و جنگ افروزی و جنس طلبی را تجربه میکند. کودک خود را نه در اتاق خود و رویروی تلویزیون، که سپهسالاری جنگاور میبندد که با کاتیکهای جنگاورانه (چسه در بازی های استراتژیک و چه در بازی های اول شفخی جنگی) به سمت دشمن حمله می برد و خون میریزد و همزمانش روی زمین می افتند. گاه در گذشته و در زمان جنگ جهانی دوم است و برای ارتش آمریکا یا آلمان مبارزه میکند و گاه به آینده میرود و در جنگ بین زمینیان و فضاثیان ستیزه میکند، و گاه در سرزمینی خیالی با موجوداتی خیالی نبرد میکند. گاه در واقع ای غیر واقعی مانند نبرد میان شوری و آمریکا شرکت میکند، و گاه در آخر الزمان باید از چنغان فرار گیرد و در برخی موارد به فاصله چند ساعت در همه این عوالم سیر میکند و هر کدام را به جلو میرود و حتی شب ها به جای شنیدن و خواندن قصه های خوب، صدای تیر و تفنگ و موکش را میشنود و کشته شدن و کشتن را میبیند، و هر بار حریص تر می شود که بتواند بیشتر بکشد و بیشتر خون بریزد تا به پیش برود و مدال فرضی بگیرد. در کتاب نیز با دوستانش سخن از آخرین تکنیک ها و رمزها و روش ها میکند که چگونه بتواند بر آن دشمن فرضی پیروز شود.

نتیجه این می شود که این کودک با فکر خون ریختن از خواب برمیخیزد، در مدرسه از همکلاسی هایش روشهای خون ریختن می آموزد و شبها نیز خون میریزد تا به خواب رود (البته اگر رودا)، پدر و مادر نیز از این خبرند که فرزند دلبدنشان در اتاقش به کارهای خودش مشغول است و از فضای آلوده شهر مصون مانده است و نمیدانند که خشونت را به درون خانه خود راه داده اند بی آنکه از آن باخبر باشند. با توجه به مشکلاتی

بخش سوم - جنگ سالارانی خانه نشین با ورود کامپیوتر به داخل خانه ها و پدید آمدن کامپیوترهای شخصی و به تبع آن رشد فناوری سخت افزار و نرم افزار و ورود سرمایه داران و شرکت های ثروتمند به تجارت بازی های کامپیوتری، مدخل دیگری در کنار محیط زیست و تلویزیون به کودکان باز شد که بازی های کامپیوتری (دنیای مجازی) نام گرفته است. این بازی ها به علت جذابیت گرافیکی بالایی که دارند و نیز به سبب آنکه کاربران در آنها خود را در موقعیتی قرار می دهند که شاید در دنیای واقع امکان حضور در آن موقعیت با آن قابلیت ها را نداشته باشند بسیار مورد توجه افشار مختلف جامعه، مخصوصا کودکان قرار

گرفته اند. همچنین فضا سازی های مطابق واقع و ترکیب دنیای حقیقی و مجازی بر این جذابیت افزوده است. به گونه ای که نه تنها کودکان، بلکه بزرگسالان را نیز مجذوب خود ساخته است. آش این مسئله چنان شور است که اعتیاد به بازی های کامپیوتری به یکی از عوامل از هم پاشیدن زندگی های مشترک تبدیل شده است و حتی در برخی خیرها آمده است که در برخی کشورهای شرقی و جنوب شرقی آسیا چند نفری جان خود را بر سر بازی های رایانه ای از دست داده اند.

پدیدارشناسی بازی های کامپیوتری (دنیای مجازی) و بررسی تاثیرات مثبت و منفی آن و سخن گفتن از نسبت دنیای مجازی و واقعی از حوصله این متن خارج است. اما ترویج خشونت از طریق بازی های کامپیوتری باید هم مورد توجه والدین و هم در صدر توجه مسئولین فرهنگ و بازی سازان قرار گیرد. اثرات ناشی از بازی های کامپیوتری بر کودکان از منظر تلقیح دنیای مجازی و حقیقی و سخت کردن تفکیک میان آنها، مخصوصا با رشد فناوری های سه بعدی و افزایش کیفیت پردازش تصویری، چه برای بازی های دارای خشونت و چه برای دیگر بازی های مسئله ای است که باید مورد توجه و تأمل قرار گیرد. اما در باب بازی هایی که در آنها خشونت موج میزند و خون ریختن و خون بازی زمینه اصلی داستان بازی است، این اثر بسیار خطرناک تر است، چرا که باعث نهادینه شدن خشونت، و حداقل، باعث عادی شدن خونریزی در ذهن کودکان می شود. این خطر با افزایش کیفیت فناوری شدیدتر می شود، چرا که در بازی های سال های اخیر، فضای مجازی دقیقاً همانند واقعیت است و حتی در برخی از بازی ها از وسایل ارتباطی سه بعدی استفاده شود و فرد عیناً خود را در همان شرایط بازی میبیند و چنان از فضای حقیقی خسار میگردد که تفکیک میان محیط های مجازی و حقیقی برای او سخت می شود.

کارتون روز



نسل سرگردان

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان

دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و

تنها سرمقاله یانگر

دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

www.dailyafghanistan.com

Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دربازین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۳۷